بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة
والسلام علی رسوله محمد وآله واصحابه اجمعین اما بعد
بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین که هر که این مختصر که
استادان در فن قرائت قرآن ساخته اند بداند
بتوفیق الله تعالی بر خواندن قرآن را استاد شود
باندک روزی بشرط آنکه طالب بجد باشد و استاد

نیز شفیق

نیز شفقت دریغ ندارد بدانکه همه حروف تهجی بست و
هشت حرفست شش ازان اظهارست همزه و
حا و خا و عین و غین و ها و انرا حرف حلقی
خوانند و شش حروف ادغام است و انرا یرملون
گویند و این است که گفته میشود ی ر م ل و ن
وازین حروف دو حرف ادغام بی غنه است
ر و ل و چهار حرف ادغام باغنه است م ن و ی
و غنه آوازیست باریک از بینی و یک حرف قلب

خوانند و آن ب که بمیم قلب میشود و باقی حرفها خفا

پس هر جا که در قرآن نون ساکن یا تنوین پیش

یکی از حروف حلق بیاید اظهار باید کرد یعنی روشن

باید گفت چنانکه مِنْ اٰلِهٍ غُثَاءً اَحْوٰى مِنْ حَكِيْمٍ

مِنْ غَاشِيَةٍ عَذَابٌ غَلِيْظٌ مِنْ خَيْرٍ مِنْ خَلْقٍ

مِنْ عَمَلٍ عَلِيْمٍ و اگر نون ساکن یا تنوین پیش

حروف یرملون بیاید ادغام باید کرد بی رول

ادغام بی غنه همچو مِنْ رَبِّهِمْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ هُدًى

لِّلْمُتَّقِيْنَ

لِلْمُتَّقِينَ و بيش م و ن و و و ي ادغام

با غنه است همچون مِن مَّاءٍ مَّهِينٍ مِن نُّطْفَةٍ

أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ مِن وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيرٍ مِّن يَّقُولُ

بَرْقٍ يَّخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ و ادغام آنرا گويند كه

حرفی در حرفی پنهان کنند و تشدید بعوض آن

ب

بيا ورند و هر جا كه نون ساكن و تنوين پيش

آيد قلب بايد كرد همچو مِنْ بَعْدِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ و قلب

آنست كه نون ساكن و نون تنوين كه بلفظ

می آید و آنرا میم میگردانند در لفظ ولی از تشدید

نگاهدارد و نون ساکن و تنوین را پیش حروف

باقی اخفا باید کرد و اخفا آنست که نون پنهان کنند

لی تشدید باشد کی از غنه و حروف باقی پانزده است

ت ث ج د ذ ز س ش ص ض ط ظ ف ق

ک چنانکه تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فِي ظُلُمَاتٍ

ثَلَاثٍ أَئِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ مِن دُونِهِ دَكًّا

دَكًّا مِن ذَهَبٍ صَوَابًا ذَلِكَ مُبَارَكَةٍ

زَيْتُونَةٍ

زَيْتُونَةٍ أَوْ نُنْسِهَا سَلَامًا سَلَامًا لِمَنْ

نَشَآءُ غَفُورًا شَكُورًا أُنْظُرُونِي مَثَلًا ظُلَلٌ

مَنْ فِيهَا مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٍ مِنْ قَرْيَةٍ أَجَلٍ قَرِيبٌ

مِنْكُمْ عُلُوًّا كَبِيرًا و بمذهب عاصم بعضی دیگر از

قُرَّا رَحْمَةُ اللهِ عليهم بنش یی ادغام باغنه کنند

چنانکه اثری از نون بماند وی را مشدد کنند

چنانکه مَنْ يَقُولُ و بعضی دیگر ادغام بی غنه کنند

چنانکه از نون هیچ اثری نماند و تشدید باتمام کنند

دیگر اینکه هر جا که دو حرف مثل یکدیگر بهم آیند

حرف اول ساکن باشد لابد ادغام باید

کرد و آنرا ادغام مثلین گویند همچو یَضْرِبْ

بَعْضُکُمْ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ و اگر هر دو حرف

متحرک باشند بعضی قرّا اظهار کنند

و بعضی ادغام کنند همچو لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ

و لَذَهَبَ بِّسَمْعِهِمْ مکرر دو جا و که ادغام نشاید

همچو خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ

و اگر دو واو

واگر دو حرف که هر دو نزدیک باشند بهم آیند

چنانکه د ساکن پیش ت باشد ت پیش د و مثل

این اگر حرف اول ساکن بود ادغام کنند

بی خلاف چون مَا عَبَدْتُّمْ اَثْقَلَتْ دَعَوَا اللّٰهَ

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ واگر متحرک باشد ادغام و اظهار

هر دو جایز باشد چون حَیْثُ شِئْتُمْ وَ اَطْهَرُ لَکُمْ

واین را ادغام متقاربین خوانند و قرب

المخرج نیز خوانند وهمچنین ل ساکن پیش ر ادغام

باید کرد چون قُلْ رَّبِّ و ل ساکن هر جا که پیش

نون آید اظهار باید کرد تا پیدا شود چون

چون
اَنْزَلْنَا جَعَلْنَا اَرْسَلْنَا و پیش جیم همچنین

یَلِجَ الْجَمَلُ جَنَی الْجَنَّتَیْنِ و غیره ساکن پیش

قاف همچنین چون لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا هر دو

روشن باید گفت تا قاف مشدد نگردد و میم

ساکن پیش ف و و اظهار باید کرد باتفاق

همه قرا چون لَهُمْ فِیهَا عَلَیْهِمْ وَلَاهُمْ

دو ساکن

و د ساکن پیش از خ نگاه دارد تا نی نشود چون
یدخلون ادخلوها و حا ساکن پیش از عین
وها روشن گوید تا عین وها مشدد نشوند
چون فاصفح عنهم و سبحه و دیگر بدانکه چون ان — اسم الله
بعد از فتحه آید یا بعد از ضمه غلیظ باید گفت یعنی
سطبر چون ان الله رسول الله چون بعد از
کسره آید رقیق باید گفت یعنی باریک چون بسم الله
در بالله و چون بفتحه باشد یا بضمه سطبر باید خواند — حرف را

چون رَبَّنا اِبْراهیمَ بِمُعْجِزٍ و یَشْکُرُ و چون

بکسره باشد باریک باید گفت چون بارِئِکُم

حَرِیصٌ و راء ساکن چون ما قبل او مفتوح

باشد یا مضموم آن نیز غلیظ باید گفت چون

باریک

اُنْظُرْ و اُنْصُرْ و اگر ما قبل او مکسور باشد

راء

باید گفت همچو فَاصْبِرْ و یَغْفِرْ و اگر بعد ازین

بیاید

ساکن که ما قبل او مکسور باشد یکی ازین حروف

خ ص ض ط ظ غ ق ستبر باید گفت اگرچه ما قبل

او کسره

آن کسره باشد چون فِرْقَةٌ مِرْصَادٌ قِرْطَاسٌ

وَاللّٰهُ اَعْلَمُ فصل بدانکه حرف مد سه است ا و ی

پس هرگاه که بعد ازین سه حرف همزه بیاید مد بگذر

چنانکه بعد از الف باید کشید همزه بعد از الف بما آخر ک بعداز

واو چون قَالُوٓا اِنَّا بعد از یا چون فِیٓ اَنْفُسِهِمْ

اگر بعد ازین سه حرف تشدید بیاید همچنین باید کشید

چون کَآفَّةً وَتَحَآجُّوْنَ دَآبَّةٌ واگر حرفی ساکن

بیاید همچنین بباید کشید الٓمٓصٓ قٓ نَسْتَعِیْن

خَبِيرٌ بَصِيرٌ و در حال وقف وَلَا الضَّآلِّينَ مد ضال

بقدر چهار الف باید کشید از برای تشدید و مد لام

و چنین برای آنکه نون ساکن میشود در وقف
و جائی

که وقف نکنند نباید کشید الا بقدر آنکه از زبان
بیرون نیا

آید بقدر یک الف و همچنین چون بعد از حرف مد

همزه و تشدید و حرفی ساکن نباشد نباید کشید
الا

چندانکه الف و واو و یا پیدا شود چون غَفَّارٌ

غَفُورٌ رَحِيمٌ در حال وصل و اگر دو حرف مثلین
باشد

و یا

ویکی ساکن آن نیز بقدر دو الف باید کشید چون

فی یوسف آمنوا و عملوا الصالحات **فصل** بدانکه

لحن چند گونه است لحن جلی یعنی ظاهر و روشن و لحن خفی

یعنی پنهان و پوشیده جلی آن باشد که همه کس دریابند

چنانکه فتحه را با کسره بدل کنند یا ضمه را با فتحه که اعراب

از حال خود بگردد و حرف از مخرج خود نگویند چنانکه

صاد را چون سین گویند و ط چون ت گویند ح چون

ه گویند و مانند این و اگر تشدیدی فرو گذارد یا مدی ترک کنند

اما مثل این حمد در فاتحة الکتاب مبطل نماز است

لحن خفی استادان در یابند چنانکه بجای ادغام

اظهار کنند یا زیادت کنند یا مدی از قدر آن بازکم کنند

یا حرفی تمام نگویند و آنچه بدین ماند و اینها مبطل نماز نیست

والله سبحانه تعالی اعلم اللهم اغفر لصاحبه ولناظره

ولمصنفه ولکاتبه ولجمیع المومنین والمومنات والمسلمین

والمسلمات الاحیاء منهم والاموات برحمتک یا ارحم الراحمین

تمت الکتاب التجوید القرآن

م م م م
م م
م

totfim